



اِقْرَأْ...

قرائت درى

برای صنف دوم



سال : ۱۳۶۵ هـ ش

Ketabton.com

قرائت

دری



برای صنت دوم

سال ۱۳۶۵- هجری

مؤلف :

خالد « کاپيسانی »

اعضاء مشورتی :

باطن شاه « صافی » و روزه گل « وحدتی »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ط

بِسْمِ خدایند بخشاینده و مهربان

اللَّهُ (جل جلاله)

خدایند یکی است، شریکی ندارد، و به هیچ کسی محتاج نیست.

زمین، آسمان، کوه ها، ستارگان، حیوانات، نباتات^(۱)، باد، باران، انسانان، جنیات و تمامی موجودات را خداوند^(ج) آفریده است. ما را نیز خداوند^(ج) هست کرده است.

خداوند روزی دهند و تمام موجودات زنده است. روزی رسان ما نیز خدا^(ج) است. تمامی موجودات زمین و آسمان صفت و ثنای خداوند^(ج) را میگویند پس بر ما نیز لازم است

۱- خداوند ۲- زنده سر ۳- گیاه و درختها ۴- پیدا کرده است

که ثنا خوان الله باشیم و عبادت خداوند، را بکنیم .

۱- جملات ذیل را تکمیل کنید:

الف - خداوند (ج)، است، شریک

ب- زمین، آسمان، کوه ها، حیوانات، نباتات،

باران و تمامی را خداوند (ج)، است

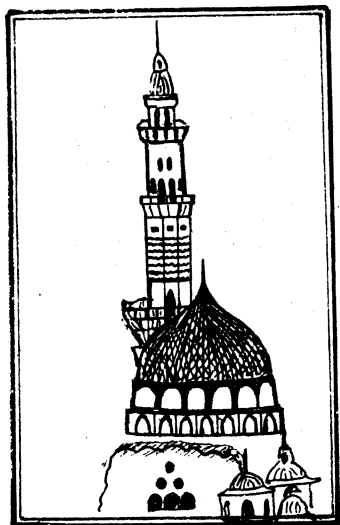
۲- کلمات ذیل از چند صرف تشکیل شده اند:

خداوند : خ ، و زمین ، نباتات

، باد،

۱- محفت گفته

پیامبر (صلی اللہ علیہ وسلم)



حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم رسول و پیامبر
خدا است . ما ایمان داریم که خدایکی است ، ایمان
داریم که حضرت محمد ص پیامبر خدا و رهنمای مردم است
نام پدر حضرت محمد ص عبد اللہ و نام مادرش بی بی آمنه بود .
پدرش دو ماه پیش از پیداشدنش وفات شد . و قتیکه به عمر
شش سالگی رسید مادرش هم وفات شد و پیامبر خدا یتیم ماند .

۱- فرستاده شده ۲- باور ۳- نشان دهنده راه

پرویش اور پدراکانش عبدالمطلب پرویش گرفت، آنحضرت^ص
هشت ساله بود که پدراکانش نیز وفات نمود لیکن
کاکایش ابوطالب زنده بود و پرویش آنحضرت را به عهد گرفت.
حضرت محمد^ص در سن چهل سالگی از طرف خداج پیامبر شد،
و مردم دنیا را به اسلام دعوت نمود. حضرت محمد^ص در سن
شصت و سه (۶۳)، سالگی وفات و در مدینه منوره دفن شد.

تمرین

- ۱- پیامبر اچه نام دارد ؟
 - ۲- مطلب از ایمان آوردن پیامبر چیست ؟
 - ۳- پدر و مادر آنحضرت^ص چه نام داشتند ؟
 - ۴- نام کاکای آنحضرت^ص چه بود ؟
 - ۵- آنحضرت^ص در چند سال عمر داشت ؟
 - ۶- آیا شما کاکا دارید ؟
 - ۷- آیا پدر و مادر شما زنده است ؟
- جلد ذیل را چند بار بنویسید :
- حضرت محمد^ص پیامبر خدا و پنهانی مردم است



قرآن شریف

قرآن شریف کلام خداست خداوند قرآن را بر پیامبرش
حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد، پیامبر خدا آنرا به مردم دنیا ابلاغ نمود.
کسانیکه سعادت داشتند قرآن را قبول کردند و مسلمان شدند،
بر خدا، کلام خدا و پیامبرش ایمان آوردند و سعادت دنیا و آخرت
نصیب شان گردید. کسانیکه بد بخت بودند از کلام خدا و
پیروی رسول خدا شرم باز زدند ازین سبب در گروه کفار
حساب شدند، که در زندگی دنیا شرمند، و در آخرت به
عذاب خدا گرفتار استند.

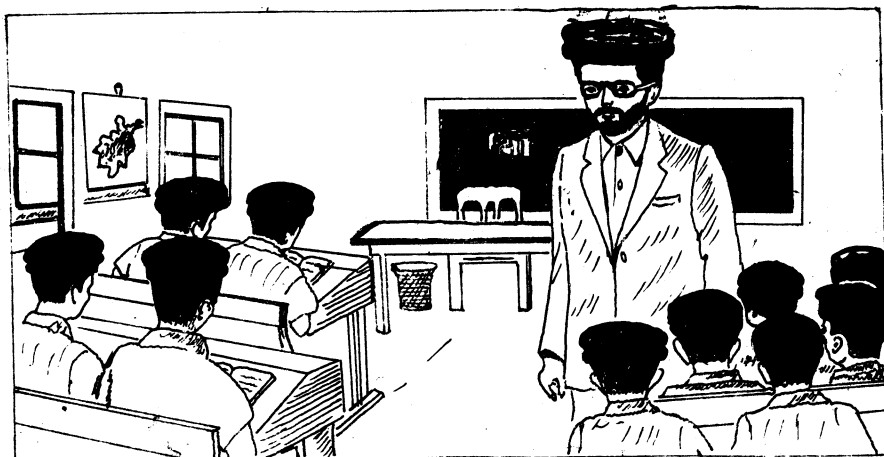
۱- بیک بختی

نکات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید:

- ۱- سعادت ۲- دنیا ۳- آخرت ۴- شرمند ۵- کافر

تمرین

- ۱- قرآن شریف کلام و سخن کیست ؟
- ۲ آیا کافران قرآن شریف را قبول دارند ؟
- ۳ شما قرآن شریف را میخوانید ؟
- ۴ شما چه وقت و همراه چه کسی قرآن شریف میخوانید ؟
- ۵ در فامیل شما کی قرآن شریف می خواند ؟



شاگردان و صنف دوم

سه ماه رخصتی گذشت. شاگردان صنف اول امسال در
صنف دوم می نشینند. خوش و خندان هستند که
همصنفان یکدیگر را در صنف بالاتر می بینند، عجله میکنند
تا معلم نوبه صنف ایشان بیاید. معلم نومی آید، و شاگردان
صنف برای احترام معلم ایستاده میشوند، معلم نوبه ایشان
دست آنها را میگوید بنشینید، بچه های خوب! شاگردان

می نشیند و به گفته های معلم گوش میگیرند.

معلم نوبه شاگردان میگوید :

خسته نباشید ! خدا کند از روز های رختی استفاده

کرده باشید، و روز های رختی را به خوشی گذرانده باشید .

شاگردان بایک صدا ، در جواب معلم میگویند . زنده

باشید استاد !

در روز های رختی خستگی ما رفع شده است زیرا که تفریح

طولانی داشتیم و اکنون برای فرا گرفتن دروس جدید آماده

هستیم .

تمرین

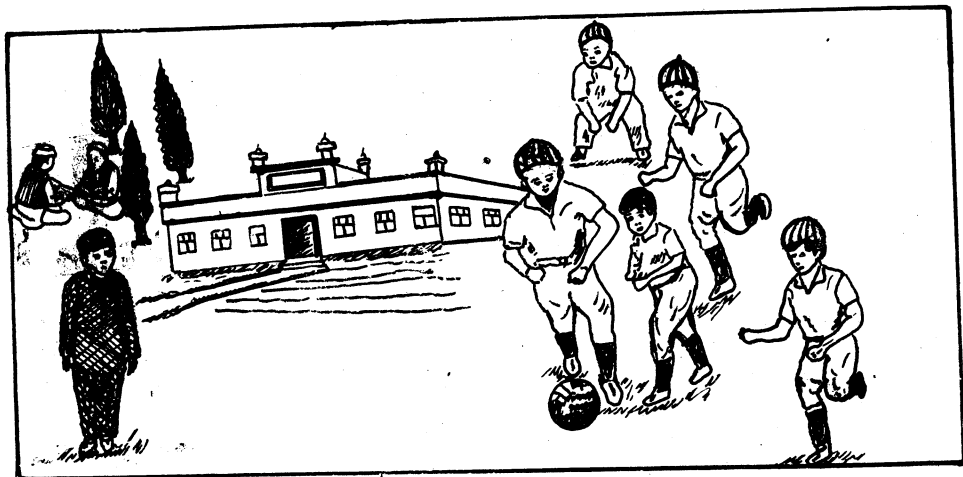
نکات ذیل را چند دفعه بنویسد .

شاگردان ، صنف دوم ، معلم ، بچه های خوب ، رختی ، جواب ، استاد ، آماده .

به صنف دوم خوش آمدید

شاگردان عزیز به صنف دوم خوش آمدید!
امسال که شما را در صنف دوم می بینم بسیار خوش هستم.
از چهره های شما معلوم می شود که شما نیز خوش هستید!
زیرا که سال گذشته سنی و کوشش کردید، دروس
خود را خواندید و در امتحانات صنف اول کامیاب شدید.
امیدوارم در صنف دوم نیز دروس روزمره تان را
بنخوانید، و آنرا مشق و تمرین نمایید، تا در سال آینده شما
را در صنف سوم ببینم.

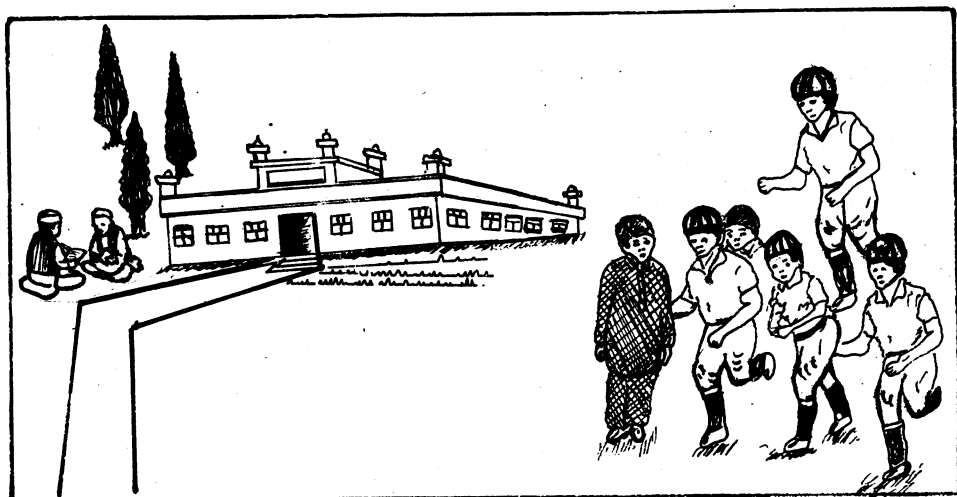
-
- ۱- کوشش ۲- جمع درس ۳- تمرین :
۱- لغات فوق را در جملات مناسب استعمال کنید؟
۲- کدام یکی از همصنفان شما امسال در صنف دوم اول است؟
۳- او چرا اول نمره شد؟
۴- آیا امسال شما هم کوشش میکنید که به صنف سوم اول نمره کامیاب شوید؟



میدان توپ بازی

زنک تفریح زده شد، بچه های مدرسه به میدان مدرسه
برآمدند. شاگردان دوستان خود را یافتند، بعضی با هم
مشغول گفتگو بودند، و بعضی در حل سوالات درس
نوازی یکدیگر کمک میخواستند.

گروهی از بچه ها به توپ بازی مشغول گردیدند بچه
ها هر طرف میدویدند و خوشحال بودند. استک و



تنہا در پھلوی دیواری ایستا دبوذیرا کسی رانیشناخت
از بچہ های نا آشنا کنارہ بود، ہیچ چیزی نمی گفت
خاموشانہ با خود فکر میکرد. ناگاہ شریف را دید
کہ از گروہ بچہ های بازی کنان جدا شد و بطرف او میدود. اسد
او را شناخت کہ وی دوست دیرین اش شریف
است. وقتیکہ ہر دو با ہم نزدیک شدند، شریف
گفت، اوه برادرم اسد جان السلام علیکم !

چرا در این گوشه تک و تنها ایستاده هستی، بیاتوپ
بازی کنیم. اسد جواب داد و علیکم السلام، شریفان،
من توپ بازی یاد ندارم. شریف گفت ما ہم در اول
یاد نداشتیم، ولی آہستہ، آہستہ تمرین
کردیم و یاد گرفتیم! اگر تو ہم توپ بازی را شروع کنی حتماً
یاد میگیری. اسد بہ میدان توپ بازی آمد، و شریف
با صدای بلند گفت:

برادرهای محترم! اینست دوست نو ما اسد، بیایید تا او را توپ
بازی یاد بدیم.





وطن ما افغانستان و دین مردم ما اسلام است،
ما همه مسلمانیم. دین اسلام بهترین دین است
زیرا که حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) به مردم چنین فرموده است:
«من تمام خوبی های دنیا و آخرت را برای شما آورده ام،
خداوند مرا امر کرده است، تا مردم جهان را به دین

اسلام دعوت نمائیم، دین اسلام از پیغمبر اسلام
برای ما میراث مانده است. نیاکان ما دین اسلام
را پذیرفته و از آن نگهبانی کرده اند. ما که مانند آنها
نیز مسلمانیم، و دین اسلام را با دل و جان دوست
داریم، از آن نگهبانی میکنیم و دشمنان را فرصت
نمی دهیم که بر دین و وطن اسلامی ما بتازند.

این جمله را چند بار بنویسید:

دشمنان را فرصت نمی دهیم که بر دین و وطن اسلامی ما بتازند.

۱- فرا خواندن ۲- چوکی داری و حفاظت ۳- تجاوز نکنند.



لطیفه

شخصی در نیم شب از خواب بیدار شد. دید که در گوشه حویلی
خانه اش دزدی ایستاده و از جایش شور نمی خورد. زن
خود را صدا کرد و گفت تیر و کمان مرا بیا که دزد
است. زنش تیر و کمان را آورد و به شوهرش داد ،
شوهرش دزد را تیر باران نمود ، و گفت حالا تا صبح با

۱- میله دراز آهنی که توسط کمان بطرف دشمن یا شکار پرتاب میشود.

۲- چوب کجی که توسط آن تیر اندازی میشود.

او کاری ندارم، چون صبح شد و به سراغ دزد آمد دید
که لباس خودش را که بر روی دیوار در میخ آویزان
بود تیر باران کرده است. گفت خدا را شکر است،
که خودم در این لباس نبودم، ورنه تیر باران میشدم.

یا دواشت :

معلم صاحب نمونه‌ی تیر و کمان را از چوب برای شاگردان
تهیه کند.

۱- دنبال، در پی

کتاب خوب

من یار محبہ بانم
گویم سخن فراوان
پندت دهم فراوان
من دوست ہنرمندم
از من مباش غافل^۵

دانا و خوش بایم
با آنکہ بی زبانت
من یار پندوانم
با سود و بی زیانم^۴
من یار محبہ بانم

(عباس مہینی تریف)

تمرین

- محترم معلم صاحب تمرین های ذیل را به شاگردان بدهند.
- ۱- شما کدام کتابها را در صنف دوم میخوانید؟
 - ۲- کدام کتاب را بسیار خوش دارید؟
 - ۳- آیا بدون کتابهای مکتب دیگر کتابها را در خانه میخوانید؟
 - ۴- شما در خانه چه قسم کتابها دارید؟
- ۱- بسیار. ۲- نصیحت ۳- فایده ۴- ضرر ۵- بی خبر

عید فطر

اواخر ماه مبارک رمضان بود، هر کس میگفت عید
فطر نزدیک است. کسی لباس نو میخرید و کسی
لباس کهنه را رنگ میداد که نو معلوم شود.
پدر شکور از شکور پرسید، کدام نوع لباس را می پسندی
که برای عید فطر داشته باشی؟

شکور آهی کشید و گفت: پدر جان لباس کهنه خود
را پاکیزه می شویم تا در نماز عید شرکت کنم. ولی لباس
نو دلم نمی خواهد. پدرش گفت چرا؟ شکور گفت:

پدر جان: چون روسها، این دشمنان دین و وطن ما بر
میخن ما تجاوز کرده اند، و ما را به ترک نمودن وطن

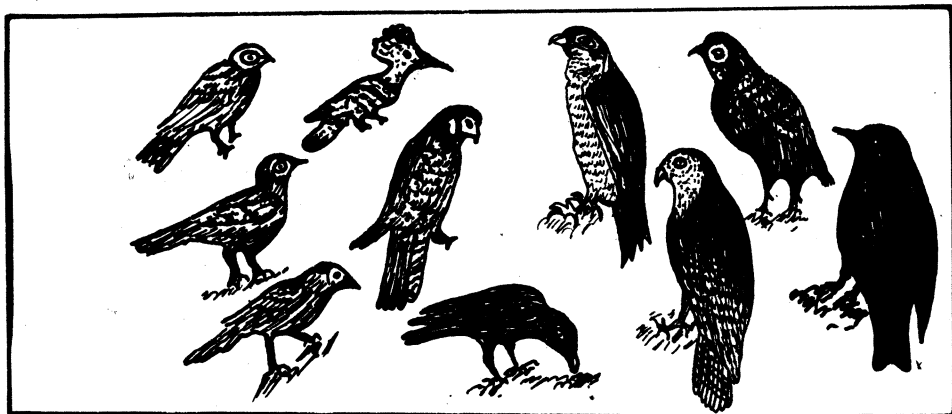
مجبور ساخته اند، که محصا جر و آواره شده ایم
شب و روز چندین نفر از هموطنان ما در اثر بمباری
روس های ظالم شهید می شوند. پس دلم نمی خواهد که
لباس نو داشته باشم. عید حقیقی ما وقتی خواهد بود
که وطن ما از دست بیگانگان نجات یابد، و دین-
اسلام در آنجا حاکم گردد. همان وقت برای ما عید است
و لباس نو خواهیم پوشید.
پدرشکور آهی کشید و گفت راست میگوئی پسر عزیزم.

تقریب : ۱- لغات ذیل را چند دفعه در کتابچه های خود بنویسید :
لباس ، عید فطر ، رنگ ، مهاجر و آواره ، ظالم ، روسهای ظالم ، آهی کشید ، ماه مبارک رمضان ، پاکیزه
۲- معلم صاحب محرم شاگردان را بچند گروه تقسیم کند و در هر گروه یک شاگرد را
موظف سازد که لغات مذکور را به گروه خود بخواند و شاگردان گروه آنها را بنویسند.
بعد از آن شاگردان همان گروه غلطی های خودشان را دسته جمعی اصلاح کنند.

۱- خانه بدوش ۲- اجانب

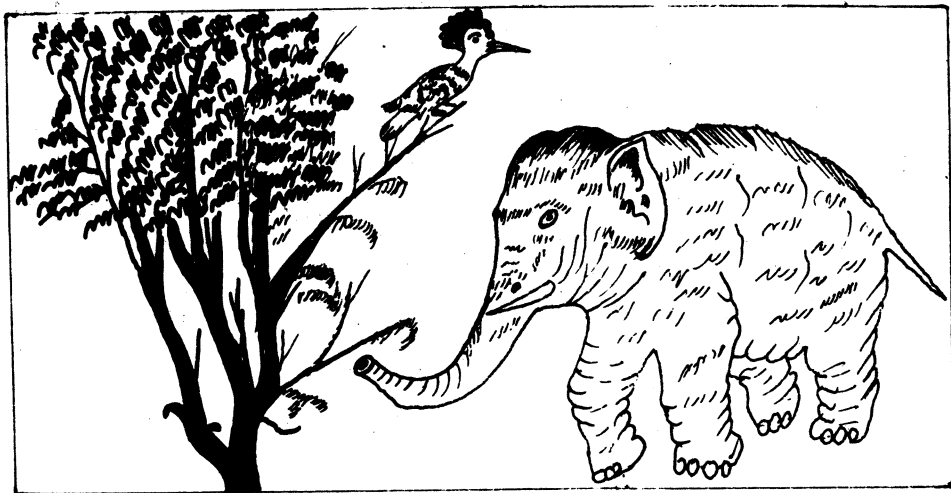
پرندهگان صحرائی

گروهی از پرندهگان در صحرائی زندگی میکردند. در نزدیکی
آبخا فیل نیز سکونت داشت. بیک روز فیل از
راهی میگذاشت که پرندهگان صحرائی در آن صحرا آشیانه
داشتند. آشیانه چند پرده زیر پای فیل لگدمال
و خراب شد و چوپای پرندهگان نیز کشته شدند.
پرندهگان به گریه و جمع شدند و مشورت کردند که چه باید
کرد؟



جدجد که پرندۀ هوشیاری بود، روبه دیگران کرده و
گفت عزیزان! این صحرا وطن ما و شما است. دشمن
ظالم آمد و خانه های ما را خراب کرد. چوچه های ما را کشت.
باید سعی کنیم تا دشمن ظالم را از وطن خود بیرون کنیم که در
آینده از شر آن در امان باشیم. پرندگان همه با یک
صدا گفتند درست است که نگهداری وطن و دفاع از
خانه و کاشانه بر ما لازم است، ولی چگونه میتوانیم با قیل
قوی و کلان مقابله کنیم؟
جدجد گفت و قتی که یک دست و یک مشت باشیم
هر کاری از دست ما و شما شدنی است.
پرندگان گفتند، بسیار خوب زودتر بگو چه کار کنیم تا
دشمن ظالم را نابود نمایم.

بدید گفت اولاً فیل را میگویم که آمدنت ازین راه غلط است زیرا چو
های مارا کشتی باید در آینه ازین راه رفت و آمد نکنی .
اگر قبول کرد ، بسیار خوب اگر قبول نکرد برای مقابلش
آماده باشید . گفتند کاملاً درست است . بدید پیردوبه
سراغ فیل رفت ، فیل را یافت ، و بر شاخ درختی
نشست و به فیل گفت ، تو که از راه لانه های پزندگان
رفتی لانه های مارا خراب ساختی و چو های مارا کشتی . درآیند ،



اجازه نمیدیم که ازین راه بروی. فیل گفت عجیب
است. پرندگان با این ضعیفی به یک فیل قوی وکلان
اجازه راه رفتن نمی دهند. بروگم شو! آماده باش که همین
حالا می آیم، هرچه میتوانی بکن.
بعد پیش پرندگان آمد و گفت: دوستان آماده باشید،
فیل می آید باید به او نشان بدهیم که ظالم کامیاب نمیشود.
پرندگان گفتند آماده هستیم بگو چه کارکنیم؟
بعد گفت: این گودال را می بینید؟ گفتند بلی
گفت با هم می پریم و بر لب گودال می نشینیم، فیل
آنجا می آید و قتی که فیل رسید شما را میگویم که چه کار
کنید. تمام پرندگان بر لب گودال جمع شدند. دیدند
که فیل خشمگین به تنی می آید، و هر طرف میدوید.

و قتی که پرندگان را دید، قصد داشت بر آنها حمله کند
همه با صدای بلندی فریاد زد و گفت بپرید، و هر دو
چشم فیل را بکشید.
پرندگان پریدند، و بانول های تیزشان هر دو چشم
فیل را کور کردند.
فیل فریادی زد، و سرگردان هر طرف می دوید که



ناگهان درگودال افتاد، هرچند کوشش و تلاش
کرد نتوانست که ازگودال بیرون آید.
پرنده‌گان خوش و خندان شادی میکردند، و نتیجه اتحاد و
همبستگی را دیدند و کامیاب شدند و با هم می‌گفتند: این
سزای ظالم است که بالاخره درگودال می‌افتد.



تمرین

- ۱- شاگردان عزیز شما پرنده ما را دیده اید؟
- ۲- کدام پرنده ما را می شناسید؟
- ۳- آیا شما آشیانه پرنده ما را دیده اید؟
- ۴- پرنده ما چه وقت چه می کند؟
- ۵- پرنده ما چه فوایدی دارد؟

جملات ذیل را تکمیل کنید:

گروهی از در صحرای زندگی می کردند.

روزی از راهی میگذشت که صحرای در آنجا

آشیانه داشتند. این سزای ظالم است که بالاخره در
می افتد.

عینک فروش و خریدار

شخصی یکی را دید که در وقت خواندن کتاب یا خطی
بر چشم خود عینک میگذارد با خود فکر کرد، اگر هر کسی عینک
بگذارد خط هم خوانده میتواند.
به عینک فروشی رفت و از عینک فروش خواست
به او عینک بدهد، هر قسم عینک که بر چشمش -
گذاشت، خوانده نتوانست.



به عینک فروش گفت میخواهم عینکی را بخرم که با آن خواننده
توانم عینک فروش از وی پرسید آیا گاهی به مدرسه
رفته اید؟ گفت نه. گفت خواننده هستید؟ گفت
اگر خواننده می بودم پس چرا عینک می خریدم.

۱- محترم معلم صاحب مثل قصه فوق حکایت های دیگر
را برای شاگردان خود بگوید.

۲- مطلب خلاصه این حکایت چیست؟

۳- لغات ذیل از چند حروف تشکیل شده اند:

عینک چشم مدرسه
گفت

۴- معلم صاحب راجع به استعمال عینک به شاگردان توضیحات

بد

مکتوب بچه افغان به کودکان جهان

مرا بشناسید. من افغان استم. وطنم افغانستان و
دین من اسلام است. شما ای کودکان جهان اکنون
در وطن خود سکونت دارید، در خانه خود باید و مادر خویش
زندگی میکنید. لیکن من بادیگر هموطنانم از ظلم و تجاوز ظالمان
دنیا، از دست روس ها به ترک گفتن وطن خود مجبور شده، و به
کشورهای همسایه پاکستان و ایران مهاجر شده
ام. بی رحمی روس ها آنقدر زیاد است که هموطنان مرا
زندانی نموده و شهید ساختند. طیارات روسی خانه و کاشانه
مارا بمباران میکند چرا؟
زیرا که ما مسلمان استیم و کفر را قبول نداریم و آزادی
خود را میخواهیم. تا زمانی که خون در رگ ما است

در مقابل روس؛ جهاد میکنم میدانیم که خداج، با
ما حکمت میکند و وطن ما را از شر کفار نگه میدارد. و قتی که
وطن ما آزاد شد و مانند شما در وطن خود زندگی شروع کردیم
از شما خواهیم پرسید که در وقت تجاوز روسها بر افغانستان
شما چه کردید؟

قوم من افغان است دین من اسلام است
دل پر از ایمان است آئین من قرآن است

تمرین

- ۱- آیا از فامیل شما کسی مهاجر شده است؟
- ۲- مهاجر کیست؟
- ۳- هجرت چه فایده دارد؟
- ۴- افغانها چرا به پاکستان و ایران مهاجر شده اند؟
- ۵- درین صنف خانه کدام شاگرد بمباری شده است؟

لطیفه

روزی یک نفر تخم مرغی را در مشت خود پنهان کرد
و از دوستش پرسید، اگر گفتی که در دستم چیست
آزاد تو میدهم که خاکینه کرده بخوری
دوستش گفت کمی نشانی آنرا بگو؟
آن نفر گفت: نشانی آن اینست که گرداگردش سفید و
داخل آن زرد رنگ است.
دوستش گفت «حالا فهمیدم. این شلغمی است که درون
آن خالی شده و در آن زردک کاشته اند»

تمرین

- ۱- محترم معلم صاحب لطیفه های دیگر را به شاگردان بگوئید؟
- ۲- آیا در منطقه شما زردک و شلغم کاشته میشود؟
- ۳- کدام نباتات در منطقه شما کشت میشود؟
- ۴- کاشتن نباتات چه فایده دارد؟
- ۵- خاکینه چه نوع خوراک است و از چه ساخته میشود؟

احترام پدر و مادر

پدر و مادر سبب پیدایش ما شده اند. خداوند ج، ما را از پدر و مادر بوجود آورده است. کسانی که احترام و عزت پدر و مادر خود را میکنند خداوند ج، برای شان پاداشش نیک میدهد.

شاگردان مدرسه به گفته های نیک پدر و مادر شان گوش میدهند. پدر و مادر اولین تربیه دهندگان ما اند، ایشان ما را راه راست نشان میدهند و از کارهای نادرست و غیر اسلامی ما را منع میکنند. بچه ها و دخترهای خوب امر پدر و مادر خود را قبول میکنند. تا وقتی که پدر و مادرشان زنده باشند در خدمت آنها بسر میرند.

۱ - ثواب، اجر

پيامبر اسلام کسانی را که خدمت پدر و مادر خود را
میکردند، دوست داشت.
خداوند ارج اینزورق را که آن کریم چنین فرموده است:
خدا را پرستید و با پدر و مادر خود نیکی کنید.

تمرین

- ۱- از شاگردان عتیر پدر و مادر کی فوت شده است ؟
- ۲- پدر و مادر کی زنده است ؟
- ۳- پدر شما چند ساله خواهد بود ؟
- ۴- خدا و پیامبرش در باره حقوق پدر و مادر چه فرموده است ؟
- ۵- آیا شما پدر و مادر خود را دوست دارید ؟

۱- عبادت کنید .

علم

آموختن علم بر مسلمان فرض است .
با آموختن علم خوانند و انا می‌شویم ، و از احکام خدا خبر می‌شویم .
مصرف حاصل کن ای جان پدر

تأییدی از خدای خود خبر
علم انسان را قوت می‌بخشد و نامش را تا
ابد زنده انگیزد .

توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود .

۱- اوامر ۲- دانائی ۳- همیش ۴- علم ۵- جوان

تمرین

- ۱- علم چه فایده دارد ؟
۲- عالم کی را گوید ؟
۳- اسم کدام عالم را می‌شناسید ؟
۴- این بیت را چند بار بنویسید :
توانا بود هر که دانا بود * * * ز دانش دل پیر برنا بود .



لطیفه
یک شخص «مریض» به «داکتر» رفت و گفت شکم من درد میکند.
داکتر از وی پرسید چه خورده ای؟
مریض گفت نان سوخته خورده ام.
داکتر گفت برو اول چشم خود را تداوی کن، باز
پیش من بیا.

تمرین

۱- لغات ذیل را چند دفعه درکت بچه های خود بنویسید :

لطیفه ، مریض ، داکتر ، نان ، تداوی ، من

۲- شاگردان عزیز آیا شما کدام وقت مریض شده اید ؟

۳- چه نوع مریضی داشتید ؟

۴- از لطیفه فوق چه فهمیدید ؟

هجرت

و قتیکه دشمنان دین و وطن بر یک ملک اسلامی
تجاوز کنند. و مردم مسلمان نتوانند که مراسم دینی
خویش را آزادانه انجام دهند و مسلمانان از لحاظ ظلم و آزار
دشمنان دین و وطن مجبور شوند که خانه و وطن
خود را ترک گویند تا بتوانند مراسم دینی خود را آزادانه انجام
دهند و برای آزادی وطن خود آمادگی بگیرند، و در مقابل
دشمنان دین و وطن جهاد کنند.

این قسم ترک وطن را هجرت میگویند، هجرت و طیفه دینی هر مسلمان و
پیروی از پیامبر خداست. زیرا و قتیکه پیامبر اسلام
از آزار کفار مکّه معظمه به ستوه آمده بودند به امر خداوند متعال
به مدینه منوره هجرت کردند مردم افغانستان که مسلمان

و پیرو پیامبر خداج، هستند در اثر ظلم و تجاوز
روسیها هجرت کرده اند.

تمرین

- ۱- لغات ذیل را در جملات استعمال نمایید ؟
هجرت ، وطنیه ، دشمنان جهاد ، پیروی ، پیامبر ، اسلام
- ۲- شهرهای مکه معظمه و مدینه منوره کجا واقع اند ؟
- ۳- هجرت چه را میگویند ؟



سال
یک سال چهار فصل است. بهار، تابستان
خزان و زمستان.
بهار اولین فصل سال است فصل بهار سه
ماه است حمل، ثور، جوزا. در فصل بهار هوا خوب
میشود و باد نرم میوزد هر طرف سبز و خرم دیده میشود.
دشت ها و کوه ها، باغ ها و گشت زار ها همه پراز گل

میشود. هر کس باتا زگی زمین مسرور دیده میشود. بهار
موسم کار است، هر کس کار میکند، دهقانان به
کشتزارها میروند. و به کشت و زراعت می پردازند
باغبانان نخل شانی میکنند، بچه ها به مدرسه میروند،
چوپان ها مره های گوسفند، گله های اسب، پاوه های گاو و غیره
را در چراگاهها میچرانند در فصل بهار هر چیز زندگی نوینی را آغاز
میکند.

ولی یک فان مهجراز روزگار تلخ زندگی نمیداند که
بهار است. زیرا اگر چه تمام دنیا سبز و خرم و پر
از گل است اما در ذهن او گرد و غبار بمباران طیار
روسی نقش بسته است و در گوشش صدای پلیکوپتر
و طیارات بم افکن زمزمه میکند.

تقرین

- ۱- یک سال چند فصل است ؟
 - ۲- فصل بهار چند ماه است ؟
 - ۳- یک افغان مهاجر چراغی داند که بهار است ؟
 - ۴- طیارات روسی در افغانستان چه میکنند ؟
- این جمله را چند بار بنویسید :

افغان مهاجر از روزگار تلخ زندگی نمیداند که بهار است.



تابستان

تابستان دومین فصل سال است که بعد از بهار می آید، فصل تابستان نیز سه ماه است سرطان، اسد و سنبله.

در فصل تابستان حرارت آفتاب بیشتر میگردد و هوا گرم میشود. مردم کوچی به جاهای سرد میروند گیاهان سبز بهار به سبب شدت گرمی و کمبود

آب در دشت و صحرا رو به خشکی میگذارند. و سبزه های
خود رو به رنگ زرد دیده میشوند، و هتقانان کشت خود را
ورو میکنند و حاصلات آنرا بخانه میبرند.

افغانستان که یک کشور زراعتی است پیداوار مهم
تابستانی آن گندم و جو است.

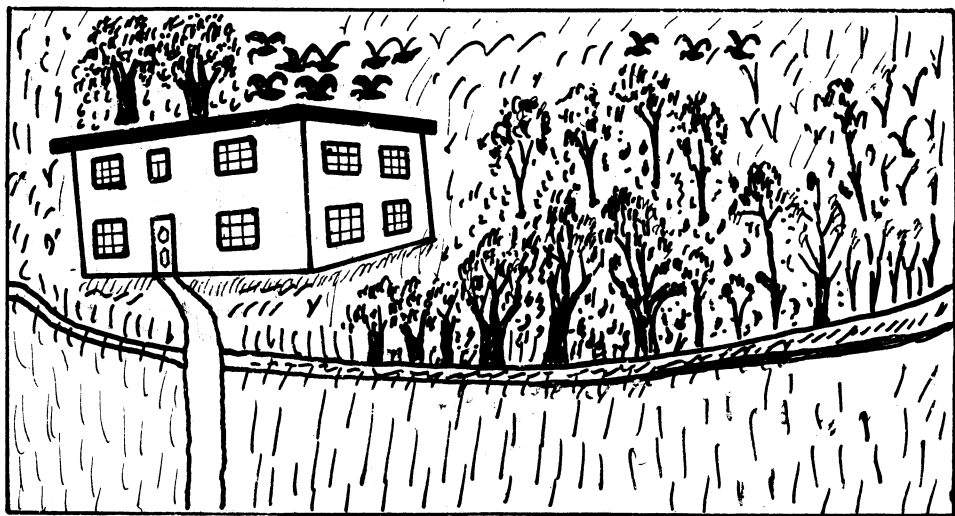
میوه های تابستانی از قبیل خربوزه، تربوز، انگور
سیب، زردآلو، شفتالو، توت، انار، انجیر و غیره
نیز در فصل تابستان حاصل میدهند.

چون میوه جات افغانستان خوش مزه و شیرین میاشد
ازین سبب شهرت جهانی دارد. با وجود اینکه زمین
های زراعتی در اثر بمباران شدید طیارات روسی
اکثر آکاشته نمیشوند و درخت های میوه دار با غصب

خشک شده و حاصلات کم میدهند ولی باز هم مردم
ملت قهرمان افغانستان در مناطق آزاد به زراعت
و کشت و کار مشغول میباشند.

تمرین

- ۱- در فصل تابستان هوا چگونه می باشد ؟
- ۲- پیدوار زراعتی فصل تابستان در افغانستان چیست ؟
- ۳- سه ماه فصل تابستان را نام ببرید ؟
- ۴- میوه جات افغانستان چرا شهرت جهانی دارد ؟



خزان

سومین فصل سال خزان است. خزان هم سه ماه است.

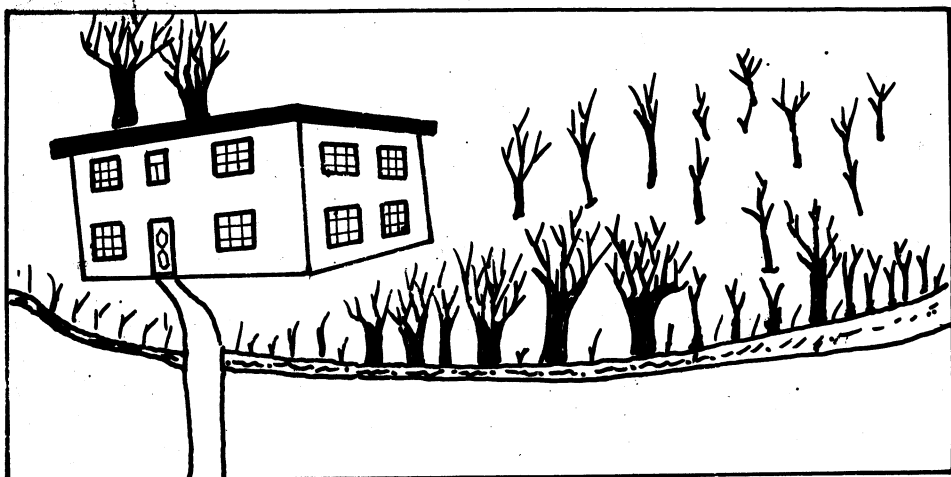
میزان، عقرب، قوس.

در فصل خزان باد های تند و خشک می وزد برگ های
درختان زرد می شوند می ریزند. هر کس کوشش میکند
تا برای روز های سرد زمستان به جمع آوری توشه
بپردازد، زیرا که خزان خبر رسان زمستان است

در بعضی مناطق افغانستان حاصلات زراعتی از
قیل : جواری، برنج، نیشکر، پنبه، انگور، انار و غیره
در خزان گرفته میشود.

تمرین

- ۱- در کدام فصل سال برگه‌های درختان می‌ریزد؟
- ۲- خزان چندین فصل سال است؟
- ۳- در فصل خزان حاصلات زراعتی بعضی مناطق افغانستان چیست؟
- ۴- جاهای خالی جملات ذیل را پر کنید:
سومین فصل سال است .
خزان زمستان است .
در فصل خزان باد های و می‌وزد .



زمستان

چهارمین فصل سال زمستان است. سه ماه زمستان عبارت اند از جدی، دلو، حوت.

در فصل زمستان در اکثر مناطق افغانستان هوا سرد میشود و در بعضی جا های افغانستان برف و باران می بارد...

هر کس برای پوشاک پشمی و خوراک بهتر ضرورت

دارد مردم افغانستان زراعت پیشه بوده و در پرورش
حیوانات از قبیل گوسفند، بز، گاو، شتر، اسب و غیره
نیمه صارت دارند از پشم حیوانات لباس های
پشمی، قالین، گلیم و غیره می بافند و از گوشت آنها نیز
استفاده میکنند.

لباس های پشمی و گوشت گوسفند و دیگر حیوانات در
هوای سرد زمستان با مردم افغانستان بسیار کمک میکند.

تمرین

- ۱- آخرین فصل سال کدام است ؟
- ۲- کدام مناطق افغانستان در فصل زمستان بسیار سرد است ؟
- ۳- لباس پشمی گرم است یا خنثی و سندی ؟
- ۴- جلات ذیل را تکمیل نمائید :

سه ماه زمستان عبارت اند از
در بعضی جا های افغانستان و می بارد .
بعد از زمستان فصل می آید .

B

6.421

AEC

1128 v. 2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library